

## **The study of the instability of democratic developments in the constitutional revolution**

**Mahmoud Soltani Ezat<sup>\*</sup>, Ebrahim Mottaghi<sup>\*\*</sup>**

**Mehrdad Navabakhsh<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Iran has always been exposed to the ups and downs of democracy, and the instability of democratic developments has emerged as a fundamental issue in contemporary Iranian political history. The first wave of transition (the Constitutional Revolution, the National Oil Movement, the Islamic Revolution 57 and the Reform Movement) to democracy in contemporary Iran was the Constitutional Revolution. Given the importance of the formation of sustainable democratization, the main question of this study is why the democratization of Iranians during the constitutional period has led to the event of fragile democracy. To explain the fragility of democracy, experts have proposed their views. Khan Linz and Alfred Stepan's theory of the disintegration of democracy, emphasizing the role of elite disintegration (as a factor) and the patrimonial nature of government, the weakness of civil society and the influence of major powers (as structural conditions) in contemporary Iran form the basis of the research analytical model. In this research, the historical-comparative method with process analysis has been used. The result of interpretive analysis in

\* PhD Student in Political Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, m.soltaniezat@gmail.com

\*\* Professor, Department of Political Science, University of Tehran, Iran (Corresponding Author), emottaghi@ut.ac.ir

\*\*\* Professor of Sociology, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, m.navabakhsh@iauctb.ac.ir

Date received: 22/08/2020, Date of acceptance: 07/12/2020



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

this study shows the power of explaining both aspects of the agency and structure of the theory of the rupture of democracy of Khan Linz and Alfred Stepan. The final analysis of the disintegration and incompatibility of constitutional leaders, the weakness of civil society and organizations and political parties, and the fragility of the (patrimonial) nature of the state are considered a necessary and sufficient condition for a fragile democracy in the first general Iranian uprising.

**Keywords:** Fragile democracy, constitutionalism, broken elites, fragile nature of government, weak civil society, foreign influence and interference.



## مطالعه ناپایداری تحولات دموکراتیک در انقلاب مشروطیت<sup>۱</sup>

محمود سلطانی عزت\*

ابراهیم متقی\*\*، مهرداد نوابخش\*\*\*

### چکیده

ایران همواره در معرض فراز و فرودهای دموکراسی خواهی بوده است و ناپایداری تحولات دموکراتیک به عنوان مسأله‌ای اساسی در تاریخ سیاسی معاصر ایران بروز یافته است. اولین موج از امواج گذار (انقلاب مشروطه، نهضت ملی نفت، انقلاب اسلامی ۵۷ و جریان اصلاحات) به دموکراسی در ایران معاصر انقلاب مشروطیت بوده است. با توجه به اهمیت شکل‌گیری دموکراتیزاسیون پایدار سوال اصلی این پژوهش این است که چرا دموکراسی خواهی ایرانیان در زمان مشروطیت به واقعه دموکراسی شکننده انجامیده است. جهت تبیین مسأله شکنندگی دموکراسی، صاحب‌نظران به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. تئوری گسست دموکراسی خان‌لینز و آلفرد استپان با تأکید بر نقش گسیختگی نخبگان (به عنوان عاملیت) و ماهیت پاتریمونیالی دولت، ضعف جامعه مدنی و نفوذ و دخالت قدرت‌های بزرگ (به عنوان شرایط ساختاری) در ایران معاصر اساس مدل تحلیلی پژوهش را شکل داده است. در این پژوهش از روش تاریخی-تطبیقی با تحلیل فرایندی استفاده شده است. نتیجه تحلیل تفسیری در این پژوهش قدرت تبیین هر دو وجه عاملیت و ساختار تئوری گسست دموکراسی خان‌لینز و آلفرد استپان را

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
m.soltaniezat@gmail.com

\*\* استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)، emottaghi@ut.ac.ir

\*\*\* استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
m.navabakhsh@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نشان می دهد. تحلیل نهایی گسیختگی و عدم هماهنگی رهبران مشروطه، ضعف جامعه مدنی و سازمان ها و احزاب سیاسی و شکنندگی ماهیت دولت (پاتریمونیالی) شرط لازم و کافی واقعه دموکراسی شکننده در اولین قیام عمومی ایرانیان قلمداد می گردد.

**کلیدواژه‌ها:** دموکراسی شکننده، مشروطه خواهی، نخبگان گسیخته، ماهیت شکننده دولت، جامعه مدنی ضعیف، نفوذ و دخالت خارجی.

## ۱. مقدمه

تقریباً همزمان با امواج دموکراسی مورد نظر هانتینگتون، در ایران نیز شاهد تحولات دموکراتیک در دوران معاصر بوده ایم. اولین قیام عمومی ایرانیان در دوره معاصر، انقلاب مشروطیت بوده است. این انقلاب به عنوان سرمنشأ، همانند سایر تحولات دموکراتیک در ایران معاصر از نهضت ملی شدن نفت گرفته تا انقلاب اسلامی سال ۵۷ و جریان اصلاحات، اتفاقاتی در جهت گذار به دموکراسی را رقم زده است. در ایران موج های برگشتی تقریباً بعد از تحولات دموکراتیک رخ داده است. در این پژوهش، این سوال مطرح می شود که چرا انقلاب مشروطیت بعد از آن همه رویدادهای خونین، جای خود را به نظام مقتدر رضاخانی سپرد؟

معناهای بسیاری به واژه دموکراسی نسبت داده می شود. برخی فیلسوفان این واژه را مفهومی ذاتاً مورد نزاع خوانده اند. (کریک، ۱۳۸۷: ۱) تعریف اصلی دموکراسی عبارتست از «حاکمیت مردم» [مردم سالاری]. این واژه از واژه یونان باستان *democratia* گرفته شده است که از دو واژه *demos* (مردم) و *kratos* (قدرت) تشکیل گردیده است. تعریف کلی آن ممکن است به صورت زیر باشد: «دموکراسی آن نظام حکومتی است که در آن همه اشخاص بالغ در چارچوب مقررات از این حق برخوردارند که به نحوی برابر در وضع خط مشی و قوانین همگانی شرکت کنند» (لیپست، ۱۳۸۳: ۷۰۰)

مراد از دموکراسی در این پژوهش نه لزوماً نوعی نظام آرمانی در مفهوم حداکثری آن به عنوان شیوه زندگی دموکراتیک در همه حوزه ها، بلکه نوعی از نظام سیاسی موجود به معنایی حداقلی و به عنوان شیوه ای از حکومت است که در آن اقتدار سیاسی از طریق رقابت و مشارکت در انتخابات به واسطه احزاب سیاسی از رأی و رضایت اکثریت مردم به عنوان سرچشمه اصلی مشروعیت سیاسی نشأت می گیرد.

به نظر می‌رسد که طی ۲۵ سال گذشته گذار به دموکراسی Transition to democracy مهم‌ترین فرایند سیاسی در مقیاس جهانی باشد. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۷۹)

هانتینگتون از امواج دموکراسی و موج‌های برگشتی سخن می‌راند و در این زمینه به موارد زیر اشاره دارد:

امواج دموکراسی	از	تا	امواج برگشتی	از	تا
نخستین موج طولانی	۱۸۲۸	۱۹۲۶	موج برگشت مخالف	۱۹۲۲	۱۹۴۲
دومین موج کوتاه	۱۹۴۳	۱۹۶۲	موج برگشت مخالف	۱۹۵۸	۱۹۷۵
سومین موج	۱۹۷۵	ادامه دارد			

البته تاریخ وضعی آشفته دارد و تغییرات سیاسی هم خیلی جور و یکدست نیستند. موج‌های دموکراسی شدن و موج‌های مخالف بر طبق الگوی دو گام به جلو و یک گام به عقب عمل کرده‌اند. تا این تاریخ موج برگشت فروکش کرده و تمام گذارهای به دموکراسی که بر اثر موج پیشین دموکراسی شدن پیدا شده بودند چنین وضعی نداشتند. (هانتینگتون، ۱۳۹۴: صص ۳۰-۱۹)

نخستین موج دموکراسی خواهی در ایران ریشه در جنبش‌های آزادیخواهانه قرن نوزدهم دارد که در نهایت به انقلاب مشروطه و شکل‌گیری نظام مشروطه سلطنتی انجامید. اندیشه دموکراسی، آزادیخواهی و مشروطیت در ایران به واسطه فرنگ‌رفته‌هایی که به دلایل مختلفی چون تحصیل، سیاحت یا مأموریت اداری، مدنیت و دموکراسی غربی را مشاهده کرده بودند یا روشنفکرانی که کمابیش از طریق اخبار، جراید و کتب رسیده از مغرب زمین با تحولات اروپا آشنا شده بودند، گسترش می‌یافت. البته توده‌های مردم نیز با رسیدن اخبار ترقی و اصلاح از کشورهای همسایه، آن‌هم در شرایطی که در داخل، فساد، نابسامانی و خودکامگی بر کشور حاکم بود، به اصلاح و دگرگونی علاقه مند می‌شدند و سرانجام اندیشه‌های عدالتخواهی به همراه انزجار و نارضایتی توده‌های مردم از استبداد حاکم، منجر به انقلاب مشروطیت ایران و برپایی نظام مشروطه پارلمانی شد.

موج نخست گذار در جهان که در پایان سده هجدهم و در کشورهای چو فرانسه و آمریکا شکل گرفت، مقارن ایامی است که ما در عهد قاجار و پس از شکست‌های خود از یک کشور مدرنیزه یعنی روس (و تحمل عهدنامه گلستان و ترکمنچای) تکان خوردیم. از

آن زمان، بذرهای نوگرایی در ذهنیت برخی از نخبگان دولتی و غیر دولتی ما کم و بیش افکنده شد و اقداماتی نیز از دوره عباس میرزا، قائم مقام ها، امیرکبیر و سپهسالار تا دوره رضاشاه به تناوب صورت گرفت. (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۷۲)

انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ به عنوان نخستین انقلاب در ایران معاصر کمتر از ۱۵ سال بعد جای خود را به حکومت مقتدر و خودکامه و تجددگرای آمرانه رضاشاهی سپرد.

مسئله اساسی این پژوهش مطالعه ناپایداری تحولات دموکراتیک در انقلاب مشروطیت است. زمینه های اجتماعی و اقتصادی، طبقات اجتماعی و نخبگان سیاسی در این فرآیند نقش اصلی را بازی کرده اند. علاوه بر کنکاش در این حوزه ها، به دنبال دلایل جامعه شناختی این ناپایداری خواهیم بود یعنی تحلیل موج اول دموکراسی در ایران و کندوکاو درباره علل پیدایی دموکراسی شکننده سرلوحه اصلی کار خواهد بود.

در این مسیر فرضیات اصلی تحقیق به شرح ذیل طرح می گردد:

نخبگان گسیخته در بازگشت به اقتدارگرایی تأثیرگذار بوده و به دموکراسی شکننده منجر می شود.

الف. ماهیت پاتریمونیالی دولت می تواند منجر به دموکراسی شکننده گردد.

ب. جامعه مدنی در صورت ضعف در تقویت دموکراسی شکننده اثرگذار است.

ج. نفوذ و دخالت قدرت های بزرگ می تواند منجر به دموکراسی شکننده گردد.

د. تضمین شماری از حقوق بنیادین را برای شهروندان، تأمین یک سلسله آزادی فردی را برای شهروندان، کمک به مردم برای حراست از منافع بنیادین شان، فراهم کردن حداکثر فرصت را برای افراد در تعیین سرنوشت، ترویج توسعه انسانی و رواج میزان زیادی از برابری سیاسی، تنها تعدادی از فواید استقرار دموکراسی است (دال، ۱۳۸۹: ۸۷)

همچنین با توجه به این موضوع که حکومت های دموکراتیک در جهت بهبود زندگی شهروندان و حمایت همه جانبه از آنان تلاش دارد و عملکرد بهتری در این رابطه درمقایسه با حکومت های غیر دموکراتیک به نمایش گذاشته است لذا اهمیت مطالعه در این حوزه را دوچندان می کند.

با پاسخگویی به مسأله اساسی این پژوهش امکان مدیریت بحران های مدنی، توجه به بی نظمی های سیاسی و شناخت علل مربوطه، جریان شناسی اعتراضات مدنی و فهم و تحلیل و تبیین آنها و در نهایت ارائه راه حل منطقی جهت مواجهه با چنین بحران هایی میسر خواهد شد و در نتیجه به شکل گیری فرایند دموکراتیزاسیون پایدار کمک خواهد کرد. گفتگوهای جاری درباره دموکراسی در ایران نه تنها برای خود ایران، بلکه برای تحولات کل جهان اسلام نیز تعیین کننده است زیرا ایران کشوری است که در آن اسلام گرایی توانست روند سیاست را تغییر دهد، گرایشی که خیلی زود در جهان اسلام گسترش یافت. توجه به تحولات ایران از آن رو اهمیت دارد که دشواری های تأسیس و تأمین دموکراسی در کشوری که نظام خود را رسماً اسلامی می داند آشکار می سازد. این تحولات همچنین در موارد عام تری که در ضمن بحث تلفیق دموکراسی با اسلام پیش می آیند هم درس آموز است، مقوله ای که هم اندیشه ناظران سیاسی غربی و هم نظر سیاست گزاران و اندیشمندان مسلمان از مراكش تا مالزی را به خود مشغول داشته است. امید آنکه این پژوهش بتواند با پاسخگویی به سؤالات مطروحه در این زمینه بخشی از خلأ موجود تحقیقاتی را پر کند و در کنار تحقیقات دیگر به پرسش های کلی و مهم درباره آینده ایران و اینکه چه کرده ایم؟ و چه باید بکنیم؟ پاسخ گوید.

#### اهداف:

۱- ریشه یابی و شناسایی زمینه های گذار به دموکراسی در انقلاب مشروطیت؟

۲- تیپولوژی (نشانه شناسی) شکل گذار به دموکراسی در انقلاب مشروطیت؟

۳- شناخت چالش های فراروی دموکراسی در ایران؟

**سؤالات تحقیق:** سؤال اصلی حاکم بر این پژوهش این است که چرا به رغم کوشش های بسیاری که در زمینه گذار به دموکراسی در ایران اواخر قاجار انجام گرفت، ماحصل آن، تجربه پدیده «دموکراسی شکننده» بوده است؟

سؤالات فرعی: ۱- دموکراسی چیست؟ آیا در ایران دموکراسی اتفاق افتاده است؟ دموکراسی ایرانی از چه تعریفی برخوردار است؟ و مؤلفه ها و شاخص های آن کدام است؟

۲- گسست دموکراسی یا دموکراسی شکننده چه تعریفی دارد و وجوه و ابعاد مختلف آن چیست؟

- ۳- انقلاب مشروطیت به عنوان نخستین موج گذار به دموکراسی در ایران معاصر چه روندی داشته است و با چه چالش هایی رو به رو است؟
- ۴- برای تبیین دموکراسی شکننده در انقلاب مشروطیت از کدام نظریه می توان بهره گرفت؟ و چه نشانه ها و الگویی دارد؟

## ۲. چهارچوب نظری

اندیشمندان و صاحب نظران هرکدام بسته به تخصص خود به مسأله تحکیم و عدم تحکیم دموکراسی توجه نموده و در این مسیر نظریات گوناگونی ارائه شده است. تقسیم بندی های نظری در این حوزه قابل تأمل است و اگر این نظریات را با در نظر گرفتن ساختار سیاسی در دوران مشروطیت تلفیق کنیم، بدون شک می توان با نگاهی جامع و جامعه شناسانه پاسخی هرچند احتمالی ولی به شیوه ای درست و اصولی و قابل اطمینان به مسأله **عدم ثبات تحولات دموکراتیک** Instability of democratic developments در انقلاب مشروطه داد.

عدم تحکیم دموکراسی Consolidating Democracy گر چه می توان تصور کرد فقدان عواملی که سبب تحکیم دموکراسی می شوند به گسست آن بیانجامند، اما مطالعات دموکراتیزاسیون نشان می دهد الزاماً عواملی که یکی از سه مرحله گسست نظام اقتدارگرا، گذار دموکراتیک و تحکیم دموکراسی را تشریح می کنند، قادر به توضیح دادن بقیه ی مراحل نیستند. با این حال تلاش منسجمی برای تشریح گسست ها-در مقایسه با گذارها- صورت نگرفته است و غالباً به همان رویگری که فقدان عوامل تحکیم را عامل گسست می داند بر می خوریم. (فاضلی، ۱۳۸۹: ۹۱)

تحکیم معادل واژه Consolidation انگلیسی است این واژه از ریشه Solid به معنای ثبات، استحکام، دوام، بقا و اطمینان و اعتماد تداوم یک امر است و در عین زمان کیفیت زمان و درستی انجام کار را نیز در بر دارد. (یزدانی، ۱۳۸۹: ۵) در میان تعاریف موجود از تثبیت دموکراتیک، تعاریف لری دیاموند، پ شهرت بیشتری دارد. وی معتقد است تثبیت دموکراتیک به معنای پذیرش اصول، هنجارها و رویه های دموکراتیک از سوی نخبگان، نهادها و سازمانهای یک کشور و نیز توده مردم است. (مقدس، ۱۳۹۳: ۳۹)



**خان لینز و استپان Juan Linz and Alfred Stepan** که از برجسته ترین نظریه پردازان تحکیم دموکراسی محسوب می شوند و از صاحب نظرانی هستند که محور اساسی نظرات خود را از فرایند گذار به فرایند تحکیم دموکراسی تغییر داده اند.

آنها از تعریف دموکراسی «به مثابه تنها بازی در شهر» As the only game in tow استفاده می کنند و معتقدند دموکراسی تثبیت شده آن نوع دموکراسی است که در آن، هیچ یک از بازیگران سیاسی مهم، احزاب، منابع سازمان یافته، نیروها و نهادها، تصور نکنند برای دستیابی به قدرت، جایگزینی برای فرایند های دموکراتیک وجود دارد و هیچ نهاد سیاسی یا گروهی، مدعی وتوی اقدام و کنش های سیاست گذارانی که به شیوه دموکراتیک انتخاب شدند، نباشند. دموکراسی زمانی به تنها بازی در شهر تبدیل می شود که به لحاظ گرایش، اکثریت جامعه، دموکراسی را بهترین نظام سیاسی که باید حاکم شود بدانند و به لحاظ رفتاری، هیچ بازیگر سیاسی عمده ای سعی نکند دولتی را که با انتخابات دموکراتیک روی کار آمده است، سرنگون سازند و دولت ناچار نباشد تمام منابعش را به مبارزه با گروه های غیر دموکراتیک اختصاص دهد. به لحاظ قانونی نیز تمام گروه ها و احزاب حاضر در جامعه باید بیاموزند تضادها و اختلاف ها را درون قواعد و هنجارهای دموکراتیک حل کنند و به این شیوه عادت نمایند. (همان، ۴۰)

به باور آنان تحکیم دموکراسی در یک کشور نیازمند وجود چندین عامل است و این عوامل همدیگر را تقویت می کنند. این عوامل عبارتند از:

۱. دولتمندی ۲. جامعه مدنی Civil society ۳. جامعه سیاسی Political community (نهادهای دموکراتیک Democratic institutions) ۴. وفاداری به قانون Loyalty to the law و نهادهای قانونی ۵. بروکراسی کارآمد Efficient bureaucracy ۶. شرایط اقتصادی (صالحی، ۱۳۸۸: ۴۴)

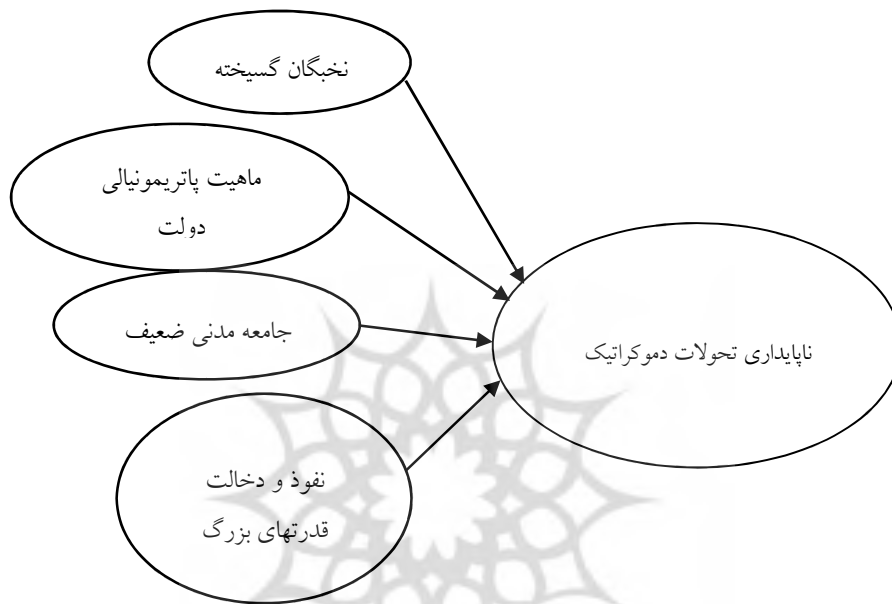
تلاش خوان لینز برای تبیین گسست دموکراسی ها کاملاً متمایز است. وی معتقد است ساختارها امکاناتی پیش پای نخبگان قرار می دهند اما گزینش نهایی به عهده آنهاست. شرایط ساختاری صرفاً ظرفیت نظام سیاسی برای پاسخگویی به شرایط و مدیریت بحران را محدود می کنند. لذا وی به تاریخ فرآیندهای سیاسی منجر به سقوط دموکراسی علاقه دارد. به عقیده لینز اقدامات کنشگران و نخبگان در لحظاتی از تاریخ که کشورها بخت تحکیم دموکراسی را داشته اند به تضعیف دموکراسی انجامیده است. (همان، ۹۲)

لینز پس از برشمردن عواملی که ثبات نظام سیاسی دموکراتیک را توضیح می دهند، به عوامل کمک کننده به بحران و بی ثباتی می پردازد. اولین عامل، نظام های حزبی قطبی شده هستند. عامل بعدی، مخالفان غیروفادار و عملکرد آنهاست. عوامل اصلی دیگری که لینز تاثیر آنها را مهم می داند عبارتند از: برنامه ی ارائه شده از سوی حکومت برای اعمال قدرت، توانایی استفاده از زور قانونی، کسب حمایت بخش های مختلف نظیر ارتش و روشنفکران، فشارهای خارجی، اقدامات نمادین و حجم منابع در اختیار دولت دموکراتیک. همین موارد هستند که ظرفیت نظام سیاسی برای اقدامات خود را محدود می کنند. (همان، ۹۳)

اما در چنین شرایطی فرایند منجر به گسست از کجا آغاز می شود. آغاز بحران بروز مسئله ای حل نشده است. این همان مسئله ای است که احزاب در قدرت از یافتن راه حلی برای آن عاجز می شوند، مخالفان نیز صبر خود را برای یافتن راه حل از دست می دهند، و مخالفان غیر وفادار معتقدند که قادر به حل آن هستند. بروز مسئله حل نشده می تواند محصول محدودیت های ساختاری یا رویکرد دولت دموکراتیک باشد. تعارض میان منابع موجود و انتظارات جامعه نیز می تواند موجب این مسائل باشد. خواسته های فزاینده ی مردم و گروهها یا تعهد ایدئولوژیک به برخی اهداف می تواند به بروز این گونه مسائل کمک کند. (همان، ۹۳)

مسائل حل نشده میزان توانایی نظام سیاسی را کاهش می دهند. اما دلیل فوری گسست نیستند. مهم این است که مخالفان وفادار چقدر قدرت دارند که حکومت دموکراتیک را به دلیل فائق نیامدن بر مشکلات حل نشدنی سرزنش کنند، دست به بسیج بزنند و میزان اعتماد به وفاداری نیروهای نظامی و امنیتی چقدر باشد. بسته به وضعیت این متغیرها، می توان از بحران تا فرو پاشی را تجربه کرد. بروز خشونت در عرصه عمومی نیز می تواند بحران را عمیق تر سازد. مجموعه ی مسائل حل نشده، مخالفان غیروفادار، افزایش خشونت و بی ثباتی سیاسی ناشی از این وضعیت به پراکنده شدن ائتلافها، قطبی شدن رای دهندگان، کاهش مشروعیت و آماده شدن فضا برای گسست می انجامد. در این شرایط فضای عمومی آماده این ایده می شود که باید کاری کرد. لینز نقش رهبران حکومت دموکراتیک را در این مرحله مهم می داند. اقدامات این رهبران می تواند به بازگشت تعادل کمک کند یا بحران را شدیدتر کرده و شرایط را برای پایان

دموکراسی را آماده سازد. از لحظه ای که همه این عوامل در کنار یکدیگر قرار بگیرند. بنا به شرایط مختلف که پیش می آید، حالت های مختلفی از پایان یافتن نظام دموکراتیک (جایگزینی حکومت نظامی، استقرار نظامی اقتدارگرا که با نظامیان ائتلاف دارد و ...) محتمل است. (همان، ۹۴)



مدل تحلیلی تحقیق

### ۳. روش تحقیق

در این پژوهش به فراخور موضوع و جهت تبیین دموکراسی شکننده در ایران معاصر از روش تطبیقی-تاریخی استفاده شده است. با توجه به پیچیدگی واقعه مورد نظر و ترکیب های علی بدست آمده از مدل تحلیلی برگرفته از چارچوب نظری تحقیق، الزامات تکنیکی و تکمیلی (تحلیل روایتی و جبر بولی) برای بررسی موضوع به کار گرفته شده است. بنابراین روش تطبیقی-تاریخی Comparative-historical method با جبر بولی Boolean algebra و تحلیل روایتی Narrative analysis روش اصلی تحقیق در این پژوهش معرفی می گردد.

#### ۴. سیر حوادث انقلاب مشروطیت

نهضت مشروطیت، حرکت مهمی در تاریخ ایران به شمار می رود. این نهضت، ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فکری و اجتماعی مختلفی داشته که تحقیق و تفحص در هر یک از این ابعاد، محتاج سال ها مطالعه است. بطور کلی وقایع و تحولات انقلاب مشروطیت را می توان در چند دوره خلاصه کرد:

۱. مشروطیت اول (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ قمری)،
۲. از زمان به توپ بستن مجلس تا فتح تهران به سال ۱۳۲۷ قمری (استبداد صغیر)،
۳. مشروطیت دوم از ۱۳۲۷ قمری تا قبل از اولتیماتوم روس ها (۱۳۲۹ قمری)،
۴. استبداد کبیر تا آغاز جنگ جهانی اول،
۵. از پایان جنگ جهانی اول تا آخر قاجاریه. (نجفی، ۱۳۸۹: مشروطیت)

طی مرحله کوتاه آزادی، سلطنت مظفرالدین شاه از ۱۲۷۷ش به بعد شاهد به صحنه آمدن مشکلاتی بود که در اواخر عصر قاجار عارض ایران و دولت شده بود: سفرهای پرهزینه و تجملی شاه و همراهان به فرنگ و نیاز به استقراض خارجی برای تأمین هزینه سفرها، ناآرامی شهرها بر اثر افزایش بی رویه قیمت نان، حکومت خودسرانه حکام ولایات و ایالت ها که با اخاذی و زورگویی همراه بود از هر گوشه کشور ناله و فریاد بلند می شد، شاه با دل آسوده بسیج سفر می کرد. (کسروی، ۱۳۶۳: ۵۱) در نتیجه بحران اقتصادی اوایل سال ۱۲۸۴ ضربه نهایی وارد شد. برداشت بد محصول در سراسر کشور و افول ناگهانی تجارت در مناطق شمالی به دلیل شیوع وبا، (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۹) یک موج ضدتورمی ناگهانی در سال های ۱۲۷۹-۱۲۸۴ش به بیکاری بیشتر و بحران اقتصادی وخیم تر منجر گردید. تجدید نظر دولت در مقررات گمرکی در سال ۱۹۰۳ به نفع واردکنندگان کالاهای روسی و استفاده از بلژیکی ها در اداره گمرک از ۱۲۷۸ش به بعد و سپردن اداره گمرک به مسیو ژوزف نوز بلژیکی، نارضایتی شدید بازرگانان ایرانی را برمی انگیخت. گمرک تا این زمان سامان درستی نمی داشت. (کسروی، ۱۳۶۳: ۲۴)

تا سال ۱۲۸۴ش مقرری سه ساله بعضی از روحانیان پرداخت نشده بود و دولت در نظر داشت کنترل بیشتری بر املاک وقفی اعمال کند. پیروزی ژاپن بر روسیه در جنگ ۱۲۸۳-۱۲۸۴ش به ایرانیان مخالف با سلطه روسیه الهام می بخشید. به اعتقاد بعضی

روشنفکران ایرانی، مهم این بود که تنها قدرت مشروطه آسیا یعنی ژاپن توانسته بود یک دولت بزرگ غیر مشروطه غربی یعنی روسیه را شکست بدهد. آن دسته از ایرانیانی که خبر شکست روسیه را می شنیدند از ضعف شدن همسایه قدرتمند شمالی احساس شادمانی کردند. احساسی که با انقلاب ۱۲۸۴ش روسیه تداوم یافت. مجامع مخفی روشنفکران غیرمذهبی و رهبران روحانی در پایتخت و سایر شهرها برپا شد تا تحولات جاری را مورد بحث قرار دهد. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۶۱)

این نارضایتی ها و سوء استفاده هایی که منشا آنها بودند بخش عمده ای از مردم را برای رویارویی با دولتی که در ۱۲۸۴ش بر سر کار آمد، آماده ساخت. در کنار رویدادهای کوچک، سه بار مردم تهران نیز اعتراض خود را به دولت نشان دادند. این اعتراض ها که به تدریج جدی تر می شد و از فروردین و اردیبهشت ۱۲۸۴ آغاز گردیده بود در مرداد و شهریور ۱۲۸۵ به اوج خود رسید و منجر به صدور فرمان تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی گردید. (همان، ۲۶۲)

این انقلاب نتیجه اتحاد میان بورژوازی بازار، علما، روشنفکران جدید و برخی اشراف زمیندار و روسای قبایل بود. (بشیریه، ۱۳۹۵: ۲۸)

البته ناگفته نماند که در ابتدای حرکت، مسئله اصلی، عدالتخانه و عدالتخواهی بود و به همین دلیل نهضت مشروطه را در ابتدا نهضت عدالتخانه می گفتند. با اوج گیری نهضت، به تدریج مسأله پارلمان و مجلس و محدود کردن قدرت شاه مطرح شد. بعد از مشروطیت، به علت افراط در تجدد، کم کم برخی مشروطه خواهان منورالفکر شروع به توهین و هتاکی به اصول اعتقادی تحت عنوان خرافات و سپس اهانت به علما و دیانت کردند تا این که استبداد محمد علی شاه برقرار شد. (نجفی، ۱۳۸۹: مشروطیت)

## ۵. علل انقلاب مشروطیت

الف) عوامل داخلی: ۱. نیروی مذهب در ایران که بیشتر برای گردآوری مردم و ایجاد اعتماد نسبت به رهبران فکری و ایجاد نفرت از استبداد و استعمار به کار گرفته شد. ۲. عدم توجه زمامداران ایران به حقوق واقعی مردم و به سرنوشت مملکت و از دست رفتن قسمتی از خاک ایران در شمال و شرق، دره های سرسبز و حاصلخیز گرجستان و قفقاز، سواحل آباد رودخانه جیحون. ۳. آمادگی گروههای زیادی از مردم برای تحول که آزمایش آن را در

واقعه تنباکو نشان داده بودند. اغلب طبقه ها و گروه ها در صورت بندی اجتماعی ایران و همه کسانی که در حقوق مشروطه خواهان ائتلاف ایجاد کردند، بر اثر تماس یک صد ساله با غرب آنها تماسی که با تنش فزاینده همراه بود، شکایات و خواست هایی داشتند. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۶۸)

**ب) عوامل خارجی:** ۱. شکست روسیه از ژاپن که سبب آن را حاکمیت مشروطه ژاپن در مقابل حاکمیت استبدادی روسیه می دانستند و همچنین ترقیات سریع ژاپن که مشروطه شده بود. ۲. امتیازاتی که دولت های روس و انگلیس با رقابت در ایران به دست می آوردند و قرضه هایی که به دلایل خاص و شرایط اسارت بار اخذ می شد. ۳. انتشار روزنامه ها در خارج از ایران: از جمله: ثریا و پرورش در قاهره، اختر در استانبول، حبل المتین در کلکته، ارشاد در قفقاز و قانون در لندن.

## ۶. حوادث پس از مشروطیت

در این پژوهش شاید برای بسیاری این سوال پیش آید که چرا حرف از واقعه دموکراسی شکننده در ایران زده می شود؟ چه دلیلی وجود دارد که از ناپایداری تحولات دموکراتیک مشروطیت سخن گفت؟ مگر می توان قبل از انجام تحقیق سخن از عدم تحکیم تحولات دموکراتیک در ایران دوره مشروطه راند؟

شواهد زیادی پس از انقلاب مشروطیت وجود دارد که بیانگر شکست مشروطه در آن برهه زمانی است (البته نظر نگارنده بر این است که انقلاب مشروطه در بلند مدت زمینه ساز جریانات بزرگ در تاریخ ایران شد از جمله وقوع انقلاب اسلامی ۵۷ که به گفته بزرگانی چون میشل فوکو «روح یک جهان بی روح» است). به هر حال با نگاهی هرچند گذرا به حوادث پس از انقلاب مشروطیت می توان به شکنندگی دموکراسی خواهی ایرانیان اذعان کرد. در این رابطه موارد ذیل قابل ذکر است:

۱. افتتاح مجلس ۲. تدوین نظامنامه انتخابات ۳. انجام انتخابات ۴. تاج گذاری محمدعلی شاه در ۲۹ دی ۱۲۸۵ و دعوت از امین السلطان از اروپا برای کمک به سرکوب مشروطه ۵. تدوین قانون اساسی ایران و متمم آن چرا که قانون اساسی از مواهب یک قانون اساسی که بر پایه اصول دموکراسی پایه گذاری شده باشد برخوردار نبود ۶. عزل نوز بلژیکی توسط مجلس ۷. مقابله محمدعلی شاه با مجلس، وی در جشن تاج گذاری خود از

## مطالعه ناپایداری تحولات دموکراتیک ... (محمود سلطانی عزت و دیگران) ۱۶۳

نمایندگان مجلس دعوت به عمل نیاورد. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۶۸) ۸ سوء قصد به جان محمدعلی شاه در روز جمعه ۸ اسفند ۱۲۸۶ و به توپ بستن مجلس توسط وی؛ وقتی داستان سوء قصد اتفاق افتاد در ۱ تیر ماه ۱۳۸۷ شاه به مجلس حمله کرد و این هجوم با فرماندهی کلنل لیاخوف روسی به نفع شاه پایان یافت. بعد از این دوران استبداد صغیر آغاز شد. (مدنی، ۱۳۶۱: ۶۳) ۱۰. شکاف میان روحانیان، البته در خصوص شیخ فضل الله نوری نکته ای قابل ذکر است؛ آیت الله نوری از محک ها و معیارهای اساسی اصلاح گرایی اصولی در تاریخ تحولات دوره معاصر است. در نهضت مشروطیت در ابتدا با جنبش عدالتخواهی و با دو رهبر مشروطه در ایران، آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی، همراه و همگام بود. نوری پس از مدتی از مشروطه طلبان جدا شد، زیرا فاصله زیادی بین اهداف دینی مشروطیت با نهضت اولیه عدالتخانه به وجود آمده بود. او پس از مشاهده انحراف این نهضت بنای مخالفت با روشنفکران غرب زده گذاشت. خواستار مشروطه مشروع بود و مشروطه ای را که بنای آن بر پایه قوانین کشورهای غربی و الگوبرداری از تمدن و فرهنگ غربی بود رد می کرد. (زیویار، ۹۰: ۶۲) ۱۱. قیام مردم تبریز، رشت و اصفهان ۱۲. درماندگی محمدعلی شاه و مشروطه خواهی او ۱۳. فتح تهران توسط قوای مخالف شاه در بیست و دوم تیر ماه ۱۴. خلع محمدعلی شاه و پناهندگی وی به سفارت روسیه و در نهایت تبعید شاه به روسیه ۱۵. برگزیدن احمد شاه پسر ۱۱ ساله محمدعلی شاه از سوی شورای عالی متشکل از نمایندگان مجلس، رهبران نظامی مشروط، شاهزادگان، اعیان و روحانیان به سلطنت و پایان یافتن سلطنت استبدادی و مشروطه محمدعلی شاه ۱۶. برگزاری انتخابات مجلس دوم در مرداد و شهریور ۱۲۸۸ در تهران ۱۷. موافقت ایران در سال ۱۲۹۰ ش با ۱۶ کارشناس مالی و اقتصادی آمریکایی به ریاست مورگان شوستر با هدف ساماندهی نظام مالیاتی کشور ۱۸. اعدام ۴۴ تن از سران مشروطه خواه در تبریز و رشت. برقرای سانسور مطبوعاتی و کنترل دوباره زمینداران بر املاک خویش. حدود ۲۰۰۰۰ قوای روسی در شمال ماندند تا همه انجمن های مشروطه را منحل کنند. هیچ اقدامی برای جلوگیری از پیش روی روس ها به عمل نیامد. آبراهامیان می نویسد: مخالفت ملی با مداخله بیگانگان از صورت مقاومت علنی به نارضایتی پنهانی تبدیل شد. بعد از ۶ سال پر تلاطم سرانجام انقلاب مشروطیت در عرصه ی شطرنج مات شد. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۶۸) ۱۹. گسترش احزاب سیاسی در دوران انقلاب مشروطیت؛

یکی حزب انقلابی و دیگری حزب اعتدالی. که بعد از افتتاح مجلس دوم دو حزب فوق به نام دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون به مجلس معرفی شدند. (امینی، ۱۳۹۲: ۲۲۸)

### ۷. وضعیت ماهیت دولت در دوره انقلاب مشروطیت

الگوی نظری تبیین کننده نظام سیاسی سنتی ایران می تواند استبداد شرقی یا پاتریمونالیستی باشد. در این الگو شرایط اقلیمی، ساختار اجتماعی و نظام فرهنگی، بدون سازوکارهای دیوان سالارانه یا منابع قدرت دولتی همچون کنترل انحصاری بر منابع اقتصادی یا اتکاء به ارتش می تواند ثبات سیاسی را برقرار سازد. جنبش مشروطه، درآمدی بر تکوین دولت مدرن در ایران بود. با شکل گیری مجلس شورا و پا گرفتن فکر دموکراسی، مطبوعات، انجمن های صنفی و سیاسی، احزاب سیاسی پدید آمدند و احزاب اجتماعیون-عامیون، اجتماعیون-اعتدالیون و ... سر برآورده اند. (اطاعت، ۱۳۸۵: ۷۱)

### ۸. وضعیت جامعه مدنی، نخبگان و رهبران سیاسی در دوره انقلاب مشروطیت

یک دهه قبل از انقلاب مشروطه انواع جمعیت های سیاسی و فرهنگی اعم از علنی و مخفی در ایران تشکیل شد که در آنها ایده های اولیه اصلاحات و حکومت مشروطه مورد بحث قرار می گرفت مانند بازرگانان که از سلطه اقتصادی و سیاسی اروپاییان ناراضی بودند. برخی از این جمعیت ها کتابخانه های عمومی تاسیس می کردند. در اردیبهشت ۱۲۸۳، ۵۷ روشنفکر مترقی که در کتابخانه ملی رفت و آمد داشتند به جلسه مخفی در حومه تهران دعوت شدند و در آنجا کمیته انقلاب را تشکیل دادند. بیش تر حاضران معتقد بودند که حکومت استبدادی باید جای خود را به حکومتی دموکراتیک بدهد. (ارباب شستان، ۱۳۸۵: ۳)

در دیدگاه آبراهامیان که به بینش مارکسیستی نزدیک تر است از نیروهای اجتماعی یعنی دو طبقه متوسط نام برده شده که یکی بازاریان سنتی از بازرگانان، پیشه وران روحانیان را شامل می شود و آبراهامیان از آن به نام طبقه متوسط متمکن نام می برد و دیگری روشنفکران جدیدند. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۱)



با بررسی عملکرد های هر طبقه یا گروه در انقلاب مشروطیت، در می یابیم که انقلاب بیش از همه دستاوردهای رهبران، روشنفکران و پیشه ورانی بود که با دربار، قدرت های خارجی و زمینداران مبارزه کردند؛ بازرگانان یکپارچه نبودند و تا آخر امر نیز تزلزل داشتند. ایل خان ها و روسای قبایل و عشایر نیز در دو طرف مبارزه دیده می شدند و طبقه های پایین شهری نیز چنین بوده است. دهقانان و مردم ایلات و عشایر عمدتاً درگیر انقلاب نشدند هرچند عناصر دهقانی وجود داشته اند و نیروهای مسلح نیز در هر دو طرف مبارزه فعالیت می کردند. طبقه کارگر از انقلاب حمایت کرد اما به دلیل تعداد اندکش تاثیر چندانی بر انقلاب نداشت. پس می بینیم که به جای انقلاب بورژوازی با یک حرکت مردمی، دموکراتیک، توده ای و شهری روبرو هستیم که طبقه های رو به زوال ماقبل سرمایه داری (پیشه وران) و دو طبقه خرده سرمایه دار (روشنفکران و طبقه کارگر) در شکل گیری آن شرکت داشتند، اما رهبری با دو طبقه یا دو گروه (روحانیت و بازرگانان) بود که خود دستخوش تفرقه بودند. مشارکت گسترده و اساسی زنان و مردم مناطق گوناگون کشور و گروه های قومی شایان ذکر است، بدین ترتیب انقلاب برآیند ابعاد مختلط طبقه ها و جبهه های تولید مربوطه شان بود. (همان، ۲۷۲)

در این دوره سازمان های زیاد و گوناگونی پای به عرصه نهاد که در ایران قبل از انقلاب خبری از آنها نبود. از جمله می توان اتحادیه های کارگری، انجمن ها (انجمن مخفی تهران، انجمن غیبی تبریز و انجمن ملی)، نخستین حزب های سیاسی و مجاهدین یا واحد های مسلح مردمی را نام برد. دومین نوع سازمان ها که تا حدی با جنبش انجمن ها ارتباط داشت، سازمان مجاهدین داوطلب بود. آخرین رشته نهادهایی که در این دوره در ایران شکل گرفتند حزب های سیاسی بودند که در اغلب موارد به صورت اتحاد سستی از تعدادی نمایندگان مجلس دوم بر صحنه ظاهر می شدند. اما گروه های بهتر سازمان یافته خارج از مجلس شورای ملی نیز مثل سوسیال دموکرات ها در حال شکل گیری بودند. (همان، ۲۸۶)

در مجلس دوم دو حزب پدید آمدند که در مقایسه با مجلس اول جنبه رسمی تری داشتند. فرقه اعتدالی (اعتدالیون) متعلق به میانه روها که دو سوم نمایندگان یا بیش تر را در بر می گرفت و حزب دموکرات (فرقه دموکرات) حزب اقلیت مجلس بود. (همان، ۲۸۷) حزب اجتماعیون عامیون (سوسیال دموکرات) ایران را جمعی از مهاجران که

مدتی در حزب سوسیال دموکراتیک روسیه فعال بودند، در اواخر سال ۱۲۸۳ش در شهر باکو تشکیل دادند. (ارباب شستان، ۱۳۸: ۳) احزاب سیاسی دیگری هم مثل حزب اتفاق و حزب ترقی پیدا شدند که نماینده ای در مجلس نداشتند. حزب دموکرات با انگلیس روابط خوبی داشت. و قائل به جدایی روحانیت از سیاست بود. از جمله اعضای دموکرات سید حسن تقی زاده را می توان نام برد. اعتدالیون جمعیت بیشتری داشتند. (مدنی، ۱۳۶۱: ۶۹)

از بین این سازمانها، پنج گروه زیر، نقش مهمی در انقلاب مشروطه داشتند: مرکز غیبی، حزب اجتماعیون عامیون، مجمع آدمیت، کمیته انقلابی و انجمن مخفی. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۹۸)

بعد از انقلاب مشروطه، احزاب سیاسی متعددی ظهور کردند. اکثریت علما نیز از مشروطه خواهی لیبرالی، آنگونه که در قانون اساسی آمده بود حمایت می کردند. روزنامه‌هایی که در آستانه انقلاب مشروطیت مورد استفاده مردم بود، عمدتاً عبارت بودند از: روزنامه اختر در استانبول، روزنامه حکمت و روزنامه پرورش در مصر، روزنامه قانون در لندن، روزنامه حبل المتین در کلکته، روزنامه تربیت در تهران و روزنامه الحدید در تبریز. (جاسبی، ۱۳۵۹: ۱۷۹)

از جمله سازمان‌هایی که در آستانه مشروطیت به یا در جریان پیشرفت انقلاب مشروطیت به وجود آمد عبارت بودند از: انجمن سری در تهران توسط ملک‌المتکلمین، میرزا یحیی دولت‌آبادی، میرزا سلیمان خان میکده و عده ای دیگر. انجمن غیبی در تبریز توسط کربلایی علی مسیو، حاج رسول صدقیانی، حاج علی دوافروش، سیدحسن شریف زاده، میرزا محمدعلی خان تربیت و گروهی دیگر. انجمن سعادت که در ترکیه فعالیت داشت، انجمن اتحاد و ترقی نیز در ترکیه دایر بود. سازمان اتحاد اسلام توسط سید جمال الدین اسدآبادی پی‌ریزی شد و در زمان آغاز مشروطیت به خصوص در ترکیه فعال بود. سوسیال دموکرات‌ها بیشتر در قفقاز فعالیت داشتند. متأسفانه هیچ یک از این سازمان‌های فوق نتوانست رسالت یک حزب فراگیر یا یک سازمان متشکل که بتواند از حمایت اولیه آزادیخواهان برخوردار باشد را به عهده گیرد. عدم سازماندهی درست باعث شد افراد بی‌صلاحیتی در انقلاب نفوذ کرده و از رسیدن انقلاب به هدف‌های اساسی خود جلوگیری کنند. (همان، ۱۷۹)

در مدت کوتاهی در تهران بیش از ۳۰ انجمن مشروطه برپا شد. انجمن های صنفی و حرفه ای همانند انجمن مستوفیان، انجمن طلاق و اصناف، انجمن های منطقه ای هم چون ایرانیان جنوب و آذربایجانی ها و انجمن های دینی آرامنه، یهودیان و زرتشتیان پویا شدند. این انجمن ها به سبب داشتن پایگاه مردمی نقش موثری در آگاهی دادن عمومی و بسیج مردمی بازی می کردند. (اطاعت، ۱۳۸۵: ۸۰)

روحانیان و روشنفکران ایران نیز نقش فعالی در رهبری جنبش داشتند. روشنفکران در حال شکل گیری، در روزنامه ها در نقش سردبیر و روزنامه نگار، شاعران و مترجمان، استادان، معلمان، و صاحبان مشاغل تخصصی [پزشکان-مهندسان] و بعضی از اعضای دیوان سالاری به انحاء مختلف به انقلاب کمک کردند. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۷)

نقش روحانیت پیچیده تر، متناقض و نوسانی بود و همین امر راه را برای تعبیر و تفسیرهای متضاد هموار ساخت. (همان، ۲۷۸) در دوره مشروطیت، چند جریان در بین علمای بزرگ پدید آمد:

۱. مشروطه مشروع: شیخ فضل الله نوری سردمدار اصلی این جریان بود. جنبه و تأکید اصلی آن، بیشتر حمله به استعمار در درجه اول و نفی استبداد در درجه دوم بوده است، هرچند که به نقاط ضعف مشروطه هم توجه شده و از این زاویه مشروطه نقد می شد.

۲. مشروطه مذهبی ضد غرب: پیشوایان آن عبارت بودند از: آخوند خراسانی، ملاعبدالله مازندرانی، حاج میرزا حسین نجف میرزاخلیل. این افراد مشروطیت را در نجف تأیید کردند. در اصفهان، حاج آقا نورالله اصفهانی و آقا نجفی اصفهانی و در شیراز سید عبدالحسین لاری بوده اند. نظریه پرداز مهم این تفکر در نجف، میرزا حسین نائینی بوده که کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله را نوشته است. این گروه از علما بطور کلی از استبداد و حاکمیت سلاطین بی کفایت قاجار متنفر و خواهان اصلاحات سیاسی در جامعه بوده اند اما این اصلاحات را به سبک غربی نمی خواستند. لذا صف مشروطه خواهی این ها را می توان از مشروطه خواهی غرب گرایان جدا کرد.

۳. جریان مشروطه خواه آزادی طلب: که دو دسته بودند: اول مشروطه ترقی خواه، که مقلد غرب و خوشبین به غرب بودند و از طرفی از استبداد نفرت داشتند و خواستار اصلاحات به سبک غربی بودند. دوم جریان مشروطه میانه رو با گرایش دینی مانند سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی. این جریان مشروطه به هر حال با بست نشینی

در سفارت انگلیس مخالف نبود، در حالیکه این عمل دارای ابعاد منفی بسیار بود. این جریان و جبهه و گروه علما مهر و کین نسبت به غرب داشته و ضد استبداد بوده، با روشنفکران رابطه خوبی داشته و در نهایت موج مشروطیت غربی و گروهی از آزادی طلبان هم از این ها حمایت می کرد. البته این دو بزرگوار در سالهای آخر عمر، نوعی دوری جستن از جریانات روشنفکرانه سکولار را مطرح می کردند که با ترور مظلومانه مرحوم بهبهانی و مرگ مرحوم طباطبایی قضیه سکوت ماند و در تاریخ زیاد راجع به آن بحث نشده است. در درجات پایین تر مشروطه، سیدجمال واعظ اصفهانی و ملک المتکلمین قرار داشتند.

۴. جریان علمایی که سیاست سکوت را برگزیدند: چون در نجف، عده ای طرفدار مشروطه و عده ای مشروعه خواه بودند، دسته ای عنوان کردند که در مقابل این تحولات بی طرف هستند و در این اختلاف وارد نمی شوند. از جمله آیت الله آقا سید اسماعیل صدر و مرحوم آیت الله میرزای شیرازی دوم، بیشتر با این جریان همسو هستند. (نجفی، ۱۳۸۹: مشروطیت)

در ارتباط با رهبری دینی مشروطه؛ اختلافات بین شیخ فضل الله نوری، آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی که در منابع مختلف به آن اشاره شده است، نیاز به روشنگری و تحلیل دارد که ذیلا به نکاتی در این خصوص اشاره خواهد شد:

اندیشه ها و مبانی نظری و اصولی شیخ فضل الله نوری مخالفان نهضت عدالت گرایانه و بیدار گرایانه مردم را به واکنش واداشت؛ چنانچه به روش های گوناگون سعی در کنارزدن و ترور شخصیت شیخ فضل الله داشتند. مخالفان شیخ فضل الله، اغلب متجددان غرب گرا بودند. نظرهای شیخ نه تنها در آن دوره بلکه در ادوار بعدی تاریخ تحولات ایران در خور توجه شد؛ برای نمونه پیشنهاد نظارت هیئت ۵ نفره ای از علما و مجتهدان برای نظارت بر مصوبات مجلس، به رغم مخالفت های شدید، سرانجام با تایید آیات عظام، آیت الله آخوند خراسانی، تحت عنوان «هیئت نظار» بر آن تاکید شد. (زیویار، ۹۰: ۶۳)

شیخ فضل الله نوری فقط به حدود الهی می اندیشید و خواهان اجرای احکام الهی و دستورهای اسلام بود. او کمی پیش از آغاز به کار مجلس به نفوذ جریان های غرب زده و دخالت بیگانگان در این نهضت مردمی بدگمان شده بود. پس از بازگشایی مجلس و شروع جلسات و مذاکرات درباره نظامنامه (قانون اساسی) و اظهار نظر برخی نمایندگان

بانفوذ یقین کرد که عناصر مؤثر مشروطه خواه به دنبال ایجاد نظام‌های غربگرا، همانند نظام‌های سیاسی کشورهای اروپایی، در ایران اند و روشن بود که جوهر و روح این نظام‌ها در بسیاری از موارد با قوانین اسلامی در تضاد بود. به همین علت با شرکت در جلسات اولیه برای مقابله با این طرز تفکر می‌کوشید، اما با مخالفت و مقاومت سرسختانه مشروطه‌خواهان غریزه مواجه شد. تبلیغات وسیعی علیه شیخ به راه افتاد تا او را در اصل و اساس مخالف نهضت و انقلاب مردمی مشروطه جلوه دهند. (همان، ۶۴)

شیخ فضل الله نوری برای بیان و توضیح مواضع و اهداف خود روزنامه‌ای به نام لوائح را منتشر کرد. برخی از نمایندگان غرب‌گرای مجلس، که از افشاگری و تبلیغات او احساس خطر می‌کردند، با انتشار اطلاعیه اعلام کردند کلمه مشروطه نمی‌تواند چیزی مخالف با دین و احکام شرعی باشد. این اطلاعیه، که پاسخی در حد گفتار و نوشتار به خواسته‌های تحصن‌کنندگان بود، سبب شد که شیخ فضل الله و سایر نمایندگان به تحصن خود پایان دهند و از حرم خارج شوند، اما این امر توطئه‌ای بود که بعدها موجب تفرقه تحصن‌کنندگان شد و به شهادت شیخ فضل الله نوری انجامید. با خروج شیخ از تحصن و ادامه درس و بحث ایشان این دسیسه مخالفان ادامه یافت. آنها با ارسال تلگرام‌هایی به مراجع نجف وانمود کردند که شیخ و همراهانش با اصل و اساس مشروطه مخالف‌اند. محمد علی شاه که میانه خوبی با مشروطه طلبان نداشت، از فضای اختلافات موجود به‌غایت استفاده کرد و با تحریک درباریان به مخالفت با مشروطه پرداخت. با وجود طرفداران تندروی مشروطه و با قتل علی اصغر خان اتابک، صدراعظم وقت محمدعلی شاه، بر دامنه اختلافات افزوده شد. ناآرامی‌های ایجاد شده هر روز فشار را بر محمدعلی شاه زیادتر می‌کرد، چنانکه در هفتم ذی‌قعدة ۱۳۲۵ محمدعلی شاه قسم نامه‌ای نوشت و با قرآن مجید نزد مشروطه‌خواهان فرستاد، حتی این ترفند هم تاثیری نداشت. در روز جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶، سوء قصد به جان محمد علی شاه سبب شد تا محمدعلی شاه مجلس را در تاریخ ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ (دوم تیر ۱۲۸۷) با فرماندهی لیاخوف روسی به دست سربازان، به توپ ببندد. با این حرکت وضعیت کشور به شرایط بغرنجی رسید و بر عده‌ای از روحانیان ستم روا داشتند و عده‌ای را تبعید کردند. غرب زده گانی چون تقی‌زاده به سفارت انگلیس پناهنده شدند و شرایط برای استبداد صغیر محمدعلی شاه فراهم شد. حاکم شدن چنین شرایطی مراجع عظام نجف را به واکنش علیه محمدعلی شاه وا داشت و با موضع‌گیری علیه استبداد محمد علی شاهی، اعلامیه رسمی صادر کرد:

«الیوم همت در رفع این سفاک جبار و دفاع از نفوذ و اعراض و اموال مسلمانان از اهم واجبات است» (همان، ۶۷)

با اعلام این حکم، افراد گوناگون از سراسر کشور قصد عزیمت به تهران کردند. ستارخان و باقرخان در تبریز برای مقابله با شاه برخاستند و عده‌ای هم از شیراز، اصفهان و تبریز به منظور مقابله با شاه قصد حرکت به تهران کردند. رشت به تصرف مشروطه‌خواهان در آمد، در اصفهان مجاهدات آیت الله حاج آقا نورالله و آیت الله آقا نجفی صفوف انقلابیون را گردهم آورد و سرانجام در ۲۷ جمادی الثانی قوای اعزامی از آذربایجان، گیلان و بختیاری (اصفهان) تهران را فتح کردند. (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳)

نظریات شیخ فضل الله نوری را در گفتار، سخنرانی‌ها و نوشته‌های وی به ویژه در لوایح به وضوح می‌توان ملاحظه کرد. رویکرد شیخ به مشروطه مشروع و ولایت فقیه در کنه و ظاهر این بیانیه‌ها مشاهده می‌شود. رویارویی شیخ با جریان منحرف مشروطه بود. (زیویار، ۹۰: ۶۸)

انگلیس با شیخ فضل الله نوری عناد خاصی داشت. دلیلش هم مشخص بود: قسمت اصیل مشروطیت که ضداستعمار بود، همین جریان بود که از نهضت تنباکو شروع شد و باعث قطع نفوذ غرب و تقویت شریعت در دل مشروطیت شد. (نجفی، ۱۳۸۹: مشروطیت) در این گیرودار متهم کردن شیخ فضل الله نوری به جریان استبداد و محمدعلی شاه اتهامی بی‌اساس بود زیرا واکنش محمدعلی شاه با اصل مشروطه از روی قدرت طلبی و خودکامگی بود در حالی که رویکرد شیخ فضل الله نوری بیدارگرایانه و دینی بود و مبنای نظری و اصولی داشت و بر همگان نیز روشن شد که غائله محمدعلی شاه چند صباحی دوام نیافت، چرا که با پناهندگی به روسیه پرونده تمام و کمال مختومه شد، در حالی که تذکرات و ایده‌های شیخ فضل الله نوری بعد از سالها مبنای نظری مبارزه علیه استعمار و استبداد شد. البته شاید اگر دو جریان مشروطه خواهان و مشروعه خواهان دچار اختلاف نمی‌شدند، جریان منحرف تفوق نمی‌یافت و به هر روی اگر سنجیده‌تر عمل می‌شد، رهبران و حتی مردم در هدف گذاری‌های بیدارگری اسلامی هزینه‌های کم‌تری پرداخت می‌کردند. (همان، ۷۰)

نفوذ جریان فرهنگ غربی که مقدمه سلطه استعماری در همه ابعاد بود، پس از فتح تهران و استقرار مشروطیت شروع شد و عناصر غرب گرا که با اعدام شیخ فضل الله به نام دفاع از انقلاب، مواضع خود را تثبیت کرده بودند، در سالهای بعد، از دخالت جریانهای مذهبی و مهمتر از آن از حضور اندیشه مذهبی در صحنه سیاست ممانعت بعمل آوردند و شعار جدایی دین از سیاست را عنوان کردند. (نجفی، ۱۳۸۹: مشروطیت)

## ۹. وضعیت نظام بین الملل (جهانی شدن) در دوره انقلاب مشروطیت

در انقلاب مشروطیت دو بازیگر قدرتمند خارجی نیز دخالت داشتند. یکی انگلستان که نقش تابع را بازی می کرد و حمایتش از انقلاب در بهترین حالت ابهام آمیز و در بدترین حالت صریحاً خصمانه بود. مثبت ترین اقدام سفارت بریتانیا تسهیل اعتصاب عمومی سال ۱۲۸۵ش بود که نهایتاً به صدور فرمان مشروطیت منجر گردید. روسیه در سرتاسر دوران انقلاب مشروطیت به مخالفت علنی با آن پرداخت و هرچند در سال سرنوشت ساز ۱۲۸۴ش به خاطر مسائل داخلی [انقلاب] و خارجی [نبرد با ژاپن] دستش بسته بود و همین امر نقش مهمی در پیروزی سریع و اولیه انقلاب داشت، اما چنانکه دیدیم در سال ۱۲۹۰ش ضمن تهاجم شدید و گسترده، انقلاب مشروطیت را به شکست کشانید. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۳)

## ۱۰. نتیجه گیری

برای یافتن دلایل جامعه شناختی ناپایداری تحولات دموکراتیک در انقلاب مشروطیت، می بایست برای این سوال که چرا مشروطه شکست خورد و نتوانست یک نظام سیاسی مدرن در ایران ایجاد نماید، پاسخ علمی یافت. اولاً، همه از مشروطه یک چیزی نمی فهمیدند و نمی خواستند. اصحاب هرمنوتیک هرکدام برداشت خاص خود را داشتند و دقیق تر اینکه چندین برداشت از مشروطه وجود داشت. به طور کلی تفکرات را در سه دسته اصلی تقسیم کرده ایم. نخستین جریان عبارت بود از تفکراتی که مستقیماً ملهم و متأثر از فلسفه سیاسی لیبرالیسم و دموکراسی غرب بود. جریان دوم نیز اگرچه مبنایش غرب بود، اما بیشتر به آن بخش از فلسفه و نگرش سیاسی که اصطلاحاً آن را «چپ»،

«رادیکال» یا «سوسیالیستی» می‌گوییم، بازمی‌گشت. و بالاخره جریان سوم که اگر چه رنگ‌هایی از هر دو جریان نیز در آن وارد شده بود، اما زبان آن را باید «شریعت» دانست (گسترده‌ترین جریان تشکیل دهنده مشروطه). این سه جریان در یک نقطه اشتراک داشتند و آن عبارت بوده از محدودیت قدرت حکومت و حاکمیت قانون.

علل و عوامل مشخصی که برخی داخلی بودند و دسته‌ای خارجی مانع از تحقق یا نهادینه شدن مشروطه شدند. عوامل داخلی موانعی بودند که با در نظر گرفتن ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، وقوع آنها گریز ناپذیر بود. برخی دیگر از عوامل داخلی به نحوه پیروزی انقلاب مشروطه باز می‌گشتند.

دسته دوم عواملی که مانع جدی بر سر راه تحقق مشروطه قرار داد، اسباب و علل خارجی بود. این عوامل که ارتباط چندانی با وضعیت ایران نداشت ریشه در تغییر و تحولات و مناسبات بین‌المللی بالاخص اروپا پیدا می‌کرد، تاثیرات زیانبار خود را بر انقلاب مشروطه گذارد.

عوامل داخلی موثر بر ناکامی مشروطه:

۱. قبل از انقلاب مشروطیت و نیز در جریان انقلاب رسانه‌های گروهی به شکل امروزی وجود نداشت. مردم بیشتر از طریق وعظ و خطابه و نظائر آن با مسائل روز آشنا می‌شدند. لذا به طور کامل در جریان رویدادها قرار نمی‌گرفتند (جاسبی، ۱۳۵۹: ۱۷۹) نهضت مشروطه زمانی شکل گرفت که ایرانی خود را در مقابل دیگری و خود را با هم مقایسه کرد. این دیگری کسی نبود جز غرب و اروپا. تجزیه و تحلیل اندیشه‌هایی که از غرب به سوی ایران سرازیر شده بود احتیاج به زمان داشت. (ارباب شستان، ۱۳۸۵: ۱)

۲. از جمله مهمترین عوامل داخلی که از همان ابتدا بزرگترین مانع را بر سر راه تحقق مشروطه فراهم آورد، به سلطنت رسیدن محمد علی شاه بود. چطور ممکن بود آن سنت چند هزار ساله (کسب تکلیف از «قبله عالم» و «سایه خدا») برای وزرا و دولتمردان قاجار منسوخ و فراموش شود؟ در مرحله بعدی با به‌کارگیری خشونت و در نهایت به توپ بستن مجلس و حبس و تبعید و اعدام سران مشروطه خواه در «باغ شاه»، عملاً مشروط را برچید و دوران استبداد صغیر آغاز شد.

۳. در رویارویی مشروطه با مشکلات اقتصادی باید گفت مشروطه همان نظم و ثبات و تمرکز ابتدایی و مختصر را نیز بر هم زد و بر اقتصاد مملکت تاثیر بسیار منفی گذارد. بنابراین



افزون بر حقوق بگیران، شماری از اقشار فقیر نیز به واسطه مشکلات ناشی از گرانی و کمبودها کم‌کم از مشروطه ناراضی می‌شدند.

۴. ترکیب یا ماهیت سیاسی و اجتماعی جریاناتی که پس از فتح تهران در پایتخت به قدرت رسیدند. مانند دسته‌های قبایل بختیاری به سرکردگی اسعد بختیاری.

۵. جریان مشروطه خواهی به رهبری شیخ فضل الله نوری که بسیاری آن را مانع و سدی در برابر مشروطه خواهی تلقی می‌کردند. در این رابطه می‌توان گفت که بیشترین بهره‌ر از آن مخالفت، محمدعلی شاه برد که به دنبال پایگاه و بهانه‌ای برای تاختن به مشروطه بود. (زیباکلام، ۱۳۹۴: ۳۸۱)

۶. ضعف سازماندهی و تشکیلات: در انقلاب مشروطیت اگر عدم وجود یک حزب را قبل از انقلاب به عنوان یک ضعف اساسی مطرح نکنیم عدم تشکیل و ایجاد چنین حزبی را در طول انقلاب می‌توان یکی از ضعف‌های اساسی آن شمرد. البته سازمان‌ها و انجمن‌های متعددی در آستانه مشروطیت و یا در طول قیام تشکیل شد اما هیچ‌یک از آنها نتوانست به‌عنوان یک تشکیلات سرتاسری که مورد قبول تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم بوده و از کیفیت و توانایی قابل‌برخوردار باشد عرض وجود کند. (جاسبی، ۱۳۵۹: ۱۷۹)

۸. اختلاف رهبری و یا بی‌تجربگی رهبران مشروطیت (روحانیت و روشنفکران) در جریان مشروطه. (صادق زاده، ۱۳۸۵: ۳۶)

۹. عنوان مشروطه نیز ابتدا اندیشه و خواسته‌ای مهم بود که حرکت، آن را به رای خود تفسیر می‌کرد. بعد از پیروزی درگیری‌ها و اختلافات برای به‌کرسی نشاندن رأی خود و حذف رقیبان آغاز شد.

۱۰. فرهنگ ضعیف گفتگو به دلیل حاکمیت طولانی استبداد در ایران باعث بروز درگیری‌های فیزیکی، رواج تهمت و افترا و سرانجام ترور و خشونت گردد. این اختلافات وسیع، ائتلاف آنان را شکننده کرده و باعث از هم پاشیدن آن گردید.

۱۱. مشکل نبودن لوازم و مصالح آزادی و حکومت مردمی: اصولاً این مشکل یکی از موانع تاریخی ما است و از آغاز مشروطیت نیز وجود داشت که آزادی خواهان و مشروطه‌طلبان به زمینه‌ها و لوازم ضروری برای تحقق آزادی و دموکراسی توجه نکرده بودند و فکر و برنامه‌ای نداشتند. (همان: ۳۵)

۱۲. حاکمیت استبدادی تغییر اساسی نکرد و مستبدین ماندگار شدند پس از پیروزی دوباره در جایگاه قدرت قرار گرفتند. مانند قوام الملک، شوکت الملک فرمانفرما، وثوق‌الدوله و...

۱۳. به نظر می‌رسد که پیش از هر چیز، مهمترین عامل تحقق نیافتن قانون و نهادینه‌نشدن وجوه دموکراتیک جنبش مشروطیت آماده نبودن بسترهای اجتماعی و فکری جامعه ایرانی بوده است. جامعه ایرانی از سه لایه تمدنی ایران باستان، تمدن اسلامی و غربی تشکیل شده است. (اطاعت، ۱۳۸۵: ۷۳)

۱۴. دخالت‌های دولت را نیز نباید از نظر دور داشت، پاره‌ای از نمایندگان با اعمال نفوذ دولت برگزیده می‌شوند که به «وکلائی قرارداد» معروف شدند. (همان: ۷۵)

**عوامل خارجی موثر بر ناکامی مشروطه:** عملکرد قدرتهای خارجی در ایران در ناکامی مشروطه سرنوشت ساز بود. مشکلات و موانعی که در نتیجه عملکرد قدرت‌های خارجی در ایران در مقابل مشروطه قرار گرفت، آنقدر جدی و سرنوشت‌ساز بود که حتی می‌توان ادعا نمود در تجزیه و تحلیل نهایی، نقش عامل خارجی در ناکامی مشروطه به مراتب بیش‌تر و سرنوشت ساز تر از عامل داخلی بود. (زیباکلام، ۱۳۹۴: ۴۱۵)

۱. مهم‌ترین عنصر خارجی که بر تمامی عصر قاجار سایه افکنده بود، نفوذ و استیلای قدرت روسیه و انگلستان در ایران و رقابت میان آنان بود.

۲. وقوع جنگ جهانی اول (۱۲۹۷-۱۲۹۳) وضع وخیم و متزلزل مشروطه را وسیع‌تر و ناپایدار تر نمود. ویرانی ایران، حاصل چهار سال جنگ جهانی اول در ایران بود. آنچه که وضع را بغرنج تر کرده بود، ورود آلمان به صحنه سیاست ایران بود.

نظام مشروطه موجب باندبازی و سیاست حزبی شد. وقوع جنگ جهانی اول، ضعف حکومت مرکزی، تعلیق مجلس، وقوع شورش‌های محلی در ایران، آذربایجان و خراسان، نفوذ فزاینده بریتانیای کبیر در ایران بعد از انقلاب اکتبر روسیه و کاهش نفوذ دربار قاجاریه، همگی به انتقال قدرت در ۱۹۲۱ به رضاخان-طی کودتایی که مورد حمایت بریتانیا نیز بود-کمک کرد. در ۱۹۲۴ با نظر به سقوط دربار قاجاریه، مجلس پیشنهاد نظام جمهوری را مطرح کرد، اما به واسطه مخالفت علما و بازار با آن، رضاخان به عنوان بنیانگذار

سلسله پهلوی و شاه معرفی شد. (بشیریه، ۱۳۹۵: ۲۹) به قدرت رسیدن این دولت جدید یکی از نقاط عطف تاریخ ایران است. (کدی، ۱۳۹۰: ۱۵۷)

سرانجام انقلاب مشروطیت به شکست انجامید چون بر اثر جابجایی سریع و فشار و مداخله خارجی در داخل کشور، بی‌ثباتی حکمفرما شده بود. مجموعه پیچیده صورت بندی‌های اجتماعی ایران و وابستگی تحمیل شده توسط نظام جهانی، هردو در این بی‌ثباتی دخالت داشتند. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۹۲)

**تحلیل کیفی با نظریه راه‌نما:** مشروطه نتوانست به یک نظام سیاسی مردم‌سالار ختم شود، اما توانست حکومت و جایگاه آن را که تا قبل از مشروطه در آسمان بود پایین آورد و زمینی کند. مشروطه نتوانست حکومت را قانونمند و قانون‌پذیر سازد، اما توانست آن اندیشه سیاسی سنتی را که رئیس و شخص اول مملکت را جانشین و سایه خدا می‌دانست و حاکمیتش را موهبتی الهی می‌پنداشت، با اندیشه‌های نوینی جایگزین نماید که بر اساس آن حکومت و شخص اول مملکت را، تابع قانون، برگزیده ملت و مطیع نمایندگان مردم یا به قول مشروطه‌خواهان «مبعوث این ملت» می‌دانست.

مبنای بسیاری از بنیان‌های سیاسی امروزی جامعه ما در حقیقت همان آرا و اندیشه‌های مشروطه هستند: انتخاب نمایندگان مجلس توسط مردم، حق رسیدگی به عملکرد دولت توسط مجلس، انتخاب رئیس‌جمهور و حتی ولی‌فقیه (به صورت غیر مستقیم) به وسیله مردم، اصل تفکیک قوا، برابری در پیشگاه قانون، حق استیضاح دولت و وزرا توسط نمایندگان مجلس، استیضاح رئیس‌جمهور، وضع قوانین، اصل آزادی اجتماعات و مطبوعات و... در اصل مفاهیمی هستند که مشروطه با خود آورد.

انقلاب مشروطه شکست خورد زیرا ائتلافی که در انقلاب شکل گرفت مدام در حال تغییر بود و شکنندگی داشت، آنچنان که به هم چسباندن طیف ائتلافی‌ها از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی دشوار می‌نمود و این خود در ساختار طبقاتی‌ای ریشه داشت که از غرب تأثیر می‌گرفت و این تأثیر نیز به جای آنکه همگرا باشد بیش‌تر حالت واگرایانه داشت.

مع‌هذا، این واقعیت را که نیروهای دموکراتیک سرانجام شکست خوردند، می‌توان یک‌سره به پای تاکتیک‌ها و تدابیر دشمنان شان نوشت. یک ارتش در حال پیشروی از مقابله و تلافی دشمن احتمالاً حیرت نخواهد کرد و پیروزی یا شکست آن همانقدر به

تصمیمات دشمن بستگی خواهد داشت که به تصمیمات خودش؛ هیچگاه نمیتوان شکست آن را یکسره ناشی از جنگ و مقاومت دشمن دانست. این درسی ساده، بدیهی و بسیار مهم است که اهل سیاست در ایران و به خصوص تحلیلگران علمی آن باید به دقت فراگیرند.

ملاکهای تحلیل انقلاب مشروطه						شواهد تاریخی
نفوذ قدرت های بزرگ	جامعه مدنی	ماهیت دولت	ارتباط نخبگان	علل تحولات	ساختار پیشین	
نفوذ و دخالت روسیه و انگلیس	فقدان نهادهای دموکراتیک و نبود تجربه پیشین	گذار از پاتریمونالیسم و نظام سلطنتی	اختلاف بین رهبران (طباطبایی، بهبهانی و نوری)	قانون گرایی و عدالتخواهی	پاریمونیالیسم سستی	مشروطیت

مشروطیت	علل در نظریه راهنما	نظریه راهنما
۱	گسیختگی نخبگان سیاسی	نظریه تلفیقی خان لینز و آلفرد استپان
۱	ماهیت پاتریمونالی دولت	
۱	ضعف نهادهای دموکراتیک	
۱	نفوذ و دخالت قدرتهای بزرگ	

- تشکیل جدول نظریه راهنمای دموکراسی شکننده با هدایت تئوری خان لینز و آلفرد استپان و پاسخ نظری به این سوال است که چرا فرآیند دموکراسی خواهی در دوران مشروطیت در ایران شکننده بوده است؟
- تشکیل جدول ارزش برای نمایش داده ها:

(Y) پیامد/متغیر وابسته (دموکراسی شکننده)	شرایط/علل (متغیرهای مستقل)			
	(A) گسیختگی نخبگان سیاسی	(B) ماهیت پاتریمونالی دولت	(C) ضعف نهادهای دموکراتیک	(D) نفوذ و دخالت قدرتهای بزرگ
مشروطیت (وجود ۱ و عدم وجود)	۱	۱	۱	۱

در این جدول عدد یک به معنای وجود عامل و عدد صفر به معنای عدم وجود عامل در دوره تاریخی مورد نظر است.

۳. نوشتن معادله و مشخص کردن شرایط لازم و کافی

با توجه به شواهد تجربی بدست آمده در جدول ارزش الگوی دموکراسی شکننده یا ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران به صورت زیر بیان می شود:

$Y=ABCD$

علامت اختصاری دموکراسی شکننده است و همانطور که در جدول ارزش مشخص شده است حروف بزرگ نشانه وجود عامل و حروف کوچک نشانه عدم وجود عامل می باشد. ترکیب معادله فوق بیانگر وجود یا عدم وجود عوامل موجود در نظریه راهنما در یک دوره مشروطیت است.

در نتیجه همانگونه که مشاهده می شود، دموکراسی شکننده در ایران ناشی از حضور همزمان تأثیر گسیختگی نخبگان سیاسی، ماهیت پاتریمونیالی دولت، ضعف نهادهای دموکراتیک و نفوذ و دخالت قدرتهای بزرگ است. این نتیجه بیانگر این واقعیت است که در ایران معاصر هم شرایط ساختاری و هم شرایط عاملیت بر عدم تحکیم تحولات دموکراتیک تأثیرگذار است. در هر صورت ضعف دموکراسی در ایران بیشتر ناشی از چهار عامل فوق الذکر است.

تئوری تلفیقی خان لینز و آلفرد استپان به عنوان تئوری راهنما در این تحقیق در جامعه ایران مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به تلفیقی بودن آن یعنی توجه همزمان به عاملیت و ساختار، قدرت هر دو وجه عاملیت و ساختاری آن در تبیین فراز و فرودهای دموکراسی خواهی مشهود گشت. لذا گسیختگی نخبگان سیاسی، ماهیت پاتریمونیالی دولت، ضعف نهادهای دموکراتیک و نفوذ و دخالت قدرتهای بزرگ هم شرط لازم و هم شرط کافی برای ایجاد دموکراسی شکننده در انقلاب مشروطه است.

بر اساس پژوهش های اجتماعی و نظروزرزی های سیاسی در سالیان اخیر به این نتیجه رسیده اند که ایران حداقل در یک صد سال اخیر به ضعف جامعه مدنی در سطح اجتماعی گرفتار بوده است. حاصل این مسأله موجب شده است که فرازهای تحرک و توسعه سیاسی در ایران از نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی نتوانند صورت نهادینه و پیوسته ای به خود بگیرند و گاه با فرودهای تأمل برانگیزی روبرو شوند. تعابیری مانند

«جامعه کوتاه مدت»، «موسمی بودن مشارکت سیاسی»، «ناپایداری احزاب سیاسی»، «مشارکت ستیزی و رقابت گریزی فرهنگ سیاسی»، «ناتوانی نهادهای مدنی در تبیین جامعه سیاسی» و «جامعه پذیری سیاسی در ایران» توسط صاحب‌نظران به وفور به‌کار رفته است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه دکتری با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی دموکراسی شکننده در ایران معاصر» بوده است.

### کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- امینی، علیرضا، شیرازی حبیب‌الله ابوالحسن (۱۳۹۲)، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران از قاجار تا رضاشاه*، تهران، نشر قومس.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۵)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران، گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، *درس‌های دموکراسی برای همه مبانی علم سیاست تأسیسی*، تهران، نگاه معاصر.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۵۹)، *بررسی نهضت‌های اخیر ایران انقلاب مشروطیت*، تهران.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۹۴)، *ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در عصر قاجار سنت و مدرنیته*، تهران، انتشارات روزنه.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، *پنجاه سال ساختاری تحکیم دموکراسی تجربه دموکراسی در ایران*، ترکیه و کره جنوبی، تهران، انتشارات کندوکاو.
- فوران، جان (۱۳۹۲)، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کدی، نیکی (۱۳۹۰)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر علم.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

مطالعه ناپایداری تحولات دموکراتیک ... (محمود سلطانی عزت و دیگران) ۱۷۹

لیپست، سیمور مارتین (۱۳۸۳)، **دایره المعارف دموکراسی**، ترجمه به سرپرستی کامران فانی و نورالله مرادی، تهران، وزارت امور خارجه.

مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۶۱)، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، جلد اول، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.

نجفی، موسی و فقیه حقانی موسی (۱۳۸۹)، **تاریخ تحولات سیاسی ایران بررسی مؤلفه های دین، حاکمیت، مدنیت و سیاست در گستره هویت ملی ایران**، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۴)، **موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم**، ترجمه احمد شهسا، تهران، انتشارات روزنه.

اریاب شستان، محمدیوسف (۱۳۸۵)، **مقایسه ای میان نهضت مشروطه ایران و نهضت ملی شدن نفت**،

اطاعت، جواد (۱۳۸۵)، **ماهیت دولت در ایران (۱) دولت پاتریمونیال پیش از مشروطیت**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳۱-۲۳۲.

اطاعت، جواد (۱۳۸۵)، **ماهیت دولت در ایران (۲) دوره گذار از دولت پاتریمونیال به دولت اتوکراتیک**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳۳-۲۳۴.

اطاعت، جواد (۱۳۸۵)، **ماهیت دولت در ایران (۳) دولت اتوکراتیک (پهلوی اول)**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳۵-۲۳۶.

اطاعت، جواد (۱۳۸۵)، **ماهیت دولت در ایران (۴) گذار از دولت اتوکراتیک به دولت اقتدارگرای بروکراتیک**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۴۳-۲۴۴.

اطاعت، جواد (۱۳۸۵)، **ماهیت دولت در ایران (۵) سیاست و سلطه اقتدارگرای بروکراتیک**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۴۵-۲۴۶.

زیویار، فرهاد (۱۳۹۰)، **تحلیلی راجع به آراء شیخ فضل الله نوریو تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی (با تکیه بر سنت اصولگرای متکامل)**، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دومف شماره دوم.

صالحی، محمدجواد (۱۳۹۱)، **موانع تحکیم دموکراسی در افغانستان**، ایران، دانشگاه تهران.

صادق زاده، محمود (۱۳۸۵)، **پیامدها و دلایل ناکامی انقلاب مشروطیت**، حافظ، شماره ۳۲.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳)، **دو قرن چالش توسعه و دموکراسی در ایران**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۷۱-۱۷۲.

۱۸۰ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹

مقدس، اعظم و علی ساعی مسعود غفاری (۱۳۹۳)، جامعه مدنی و تثبیت دموکراسی:  
درآمد نظری، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ششم، شماره ۲۳.

Abrahamian, Ervand (1983), *Iran Between two revolution*, Princeton University Press.

Dahl, Robert Alan, *On Democracy*.

Foran, John (1993), *Fragil Resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*, Westview Press.

Lipset, Seymour Martin (1995), *The Encyclopedia of Democracy*, Congressional Quarterly.

Ragin, Charles C (1989), *The Comparative Method: Moving beyond Qualitative and Quantitative Strategies*, University of California press.

